



The Legislative and Judicial Criminal Policy of Iran Regarding Clemency Mechanisms in Non-Violent Crimes against State Security

Iman Shirzad Porgoo¹, Hossein Aghababaei²

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: iman_shirzad1@yahoo.com
2. Corresponding author, Associate Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: aghababaei@guilan.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

Received: 21 September 2024

Received in revised form:

6 December 2024

Accepted: 14 December 2024

Available online:

29 December 2024

Keywords

clemency / leniency mechanisms, non-violent crimes, legislative criminal policy, judicial criminal policy



Abstract

The influence of teachings of criminal sciences on penal codes has led to the acceptance of mechanisms that exempt or mitigate punishment, aligning with utilitarian objectives and the principle of individualization of punishments. Iran's criminal laws in alignment with developments in criminal sciences, have embraced numerous clemency mechanisms for non-security offenses so that the legislative adoption of such mechanisms had a considerable impact on judicial procedure. The core question of the present note is if the leniency mechanisms have also been considered in non-violent offences against the state security. This paper, by examining existing laws and judicial procedure, concludes that in such crimes, due to the dominance of security-oriented policies, such mechanisms have not been adequately considered from both aforementioned perspectives, adequately in court rulings. This neglect of attention toward emerging clemency mechanisms in comparison to its classic counterparts is particularly evident. In the present paper, the aforementioned mechanisms in non-violent crimes are examined from the perspective of legislative and judicial criminal policy, and the degree of alignment between the two in utilizing these mechanisms has been analyzed.

Cite this article: Shirzad Porgoo, I. & Aghababaei, H. (2024). The Legislative and Judicial Criminal Policy of Iran Regarding Clemency Mechanisms in Non-Violent Crimes against State Security. *Criminal Law Doctrines*, 21(27),7-34. <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6725.2076>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران پیرامون نهادهای ارفاقی در جرائم غیرخشونت‌آمیز علیه امنیت دولت

ایمان شیرزاد پرگو^۱، حسین آقابابایی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: iman_shirzad1@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه:

aghababaei@guilan.ac.ir

چکیده

تأثیرپذیری قوانین کیفری از آموزه‌های علوم جنایی موجب پذیرش نهادهای معاف‌کننده و یا تخفیف‌دهنده مجازات در راستای اهداف فایده‌گرایانه و اصل فردی‌سازی مجازات‌ها گردیده است. قوانین کیفری ایران نیز همسو با تحولات علوم جنایی از نهادهای ارفاقی متعددی در جرائم غیرامنیتی استقبال نموده، به‌نحوی که پذیرش تقنینی چنین نهادهایی در رویه قضایی نیز بازتاب درخور توجهی داشته است. سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که آیا نهادهای ارفاقی در جرائم غیرخشونت‌آمیز علیه امنیت دولت نیز مورد توجه واقع گردیده‌اند؟ این مقاله با بررسی قوانین و رویه قضایی موجود، نتیجه گرفته است که در این جرائم، به دلیل غلبه سیاست امنیت‌گرا، این نهادها از هر دو منظر پادشده و به‌ویژه در آرای دادگاه‌ها به‌نحو بایسته‌ای مورد عنایت قرار نگرفته‌اند. این بی‌توجهی در خصوص نهادهای ارفاقی نوظهور، در مقایسه با مصادیق کلاسیک آن بسیار مشهود است. در مقاله حاضر، نهادهای فوق در جرائم غیرخشونت‌آمیز از دیدگاه سیاست جنایی تقنینی و قضایی بررسی شده و میزان همسویی این دو در استفاده از این نهادها مورد تحلیل قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۴

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹

کلیدواژه‌ها

نهادهای ارفاقی، جرائم غیرخشونت‌آمیز، سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی.

استناد: شیرزاد پرگو، ایمان؛ آقابابایی، حسین. (۱۴۰۳). سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران پیرامون نهادهای ارفاقی در جرائم غیرخشونت‌آمیز علیه امنیت دولت. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۱(۲۷)، ۷-۳۴.

<https://doi.org/10.30513/cld.2025.6725.2076>



مقدمه

تأمل در تاریخ حقوق کیفری حکایت از برتری سیاست ارعابی بر سیاست ارفاقی و اندیشه سزاگرایی بر پیامدگرایی دارد و سیری در تاریخ حقوق کیفری، این سخت‌گیری و بی‌توجهی در اعمال راهکارهای ارفاقی را، به‌ویژه در جرائم علیه امنیت دولت، آشکار می‌سازد.

علاوه بر شدت مجازات‌ها که از اوصاف اصلی سیاست حاکم بر جرائم علیه امنیت می‌باشد، باید از ناکارآمدی ضمانت اجرای کیفری، به‌ویژه حبس در کلیه جرائم و نیز در این دسته از جرائم سخن گفت، به‌گونه‌ای که آمار تکرار جرم حاکی از آن است که بسیاری از جرائم حرفه‌ای توسط افرادی دارای سابقه زندان‌های متعدد ارتکاب می‌یابند و در جرائم مورد مطالعه نیز به لحاظ ایدئولوژی و تفکرات خاص مرتکبین که قبحی برای اعمال ارتكابی خود قائل نبوده و حتی احساس ندامتی نیز از اعمال ارتكابی خود ندارند، اجرای کیفر سالب آزادی، هرچند به‌صورت طولانی مدت هم باشد، نمی‌تواند توفیق قابل توجهی را از منظر اصلاح‌پذیری به ارمغان آورد.

ناکارآمدی زندان و سایر مجازات‌ها و نیز ضرورت اصلاح و بازسازگاری^۱ اجتماعی مجرمین که متأثر از اندیشه‌های مکتب تحقیق و به‌ویژه دفاع اجتماعی نوین بوده است، سیاست‌گذاران کیفری را بر آن داشت که در راستای برون‌رفت از شرایط نامطلوب، به تدابیری که در ادبیات حقوق کیفری «نهادهای ارفاقی» نامیده می‌شوند، بیندیشند. این قبیل نهادها را می‌توان تدابیری دانست که در راستای اهداف فایده‌گرایانه یا برخی ملاحظات عمومی دیگر مانند کاهش جمعیت کیفری وضع می‌گردند. در واقع، با وضع چنین نهادهایی، با وجود این که مجرم واجد مسئولیت کیفری بوده، از تحمل مجازات معاف یا از مقررات تخفیف مجازات بهره‌مند می‌گردد (رستمی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۴).

با وجود این، باید اذعان داشت که مرتکبین جرائم امنیتی، برخلاف سایر مجرمین، بهره‌چندانی از این قبیل نهادها نبرده و اتخاذ سیاست جنایی امنیت‌مدار و توسعه طلب در مبارزه با جرائم علیه امنیت توسط دولت‌ها، اعمال این نهادها را تا حد قابل توجهی محدود نموده است.^۲ در واقع، به دلیل غلبه حق امنیت بر حق تأمین حقوقی - قضایی در این جرائم، الگوی

۱. برخی کیفرشناسان بازسازگاری را تنها راهکار جلوگیری از سر بار بودن دائمی بزهکار و بی‌وقفه خطرناک‌تر شدن وی می‌دانند (بولک، ۱۴۰۱، ص ۵۰).

۲. رویگردانی از تعداد کثیری از تحولات نظری در مبانی حقوق کیفری و همچنین الغا و انحلال برخی نهادهای اصلاحی و

اتخاذی، در مسیر حقوق کیفری امنیت‌مدار که تا اندازه قابل توجهی الهام‌گرفته از آموزه‌ها و اصول جرم‌شناسی امنیتی بوده، گام برداشته است، هرچند اطلاق عنوان جرم‌شناسی بر آن، که منجر به سیاست کیفری امنیت‌مدار گردیده، از باب مسامحه می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۲۳). رویکرد سیاست جنایی ایران نیز در این جرائم سختگیرانه، بدون اغماض و مبتنی بر جرم‌انگاری حداکثری و تهاجمی و گفتمان حاکم نیز حاکی از بیشینه‌گرایی و مقابله کیفری با هر گونه رفتار تهدیدکننده امنیت نظام می‌باشد (آقای‌نیا؛ رستمی، ۱۴۰۱، ص ۸۳). دیهی است که از چنین نگرشی که در آن سخن از حذف، طرد و اخراج بزه‌کار از جامعه و کنارگذاری اصل بازگردانی و ادغام دوباره مجرم به جامعه و به بیان کوتاه، اعمال اقدامات تأمینی امنیتی توان‌گیر، و نه اقدامات تأمینی تربیتی، است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۲۲)، نمی‌توان انتظار استفاده گسترده از نهادهای ارفاقی را داشت.

نهادهای ارفاقی مورد اشاره از دستاوردهای نوین علوم جنایی تجربی است که در راستای اصل پیامدگرایی، تناسب و فردی‌سازی مجازات‌ها و به منظور ارتقا، تلطیف و کارآمدی سیاست مقابله با جرم وارد نظام کیفری گردیدند. بنابراین، مهم‌ترین هدف قانون‌گذار در اعمال آن‌ها اصلاح و بازسازگاری اجتماعی مجرمین بوده، هرچند در برخی شرایط اجتماعی از چنین راهکاری جهت کاهش و کنترل جمعیت کیفری نیز استفاده می‌گردد. از آن جاکه این نهادها نوعی سیاست جنایی پیشگیرانه (کیفری) نیز به حساب می‌آیند، در صورت ایجاد بسترهای قانونی مطلوب، دستیابی به اهداف مجازات‌ها و کاهش جمعیت کیفری، در کلیه جرائم، و از جمله جرائم علیه امنیت، قابل حصول خواهد بود.

نهادهای ارفاقی از منظر پیشینه و قدمت به دو دسته قابل تقسیم می‌باشند: بعضی از این نهادها مانند تخفیف و تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس، دارای قدمت تقنینی بیشتری بوده و از آن‌ها به عنوان نهادهای ارفاقی کلاسیک نام می‌بریم. در مقابل، دسته دیگر ذیل عنوان نهادهای ارفاقی نوظهور نام برده می‌شود، از قبیل نظام نیمه‌آزادی، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر و قرار ترک تعقیب که محصول نوآوری‌های دهه‌های اخیر بوده و سابقه طولانی ندارند.

قانون‌گذار ایران نیز همسو با نوآوری‌های علوم جنایی و در جهت ملایم‌سازی قوانین کیفری^۳، نهادهای یادشده را در بسیاری از جرائم غیرامنیتی پذیرفته^۴ که در رویه قضایی نیز منعکس گردیده است، اما در جرائم علیه امنیت دولت، به دلیل امنیت‌گرایی، گفتمان دشمن‌محور در سیاست جنایی و البته همسو با سیاست جنایی حاکم بر این قبیل جرائم در سایر کشورها، نه تنها بسیاری تضمین‌های حقوق کیفری کلاسیک و نیز اصول و قواعد تفسیر قوانین کیفری را کنار گذاشته (آقابابایی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸)، از تحولات انسان‌مدار دهه‌های اخیر و نهادهای مذکور استقبال بایسته‌ای به عمل نیاورده است. در واقع، بررسی قوانین کیفری ایران، اعم از ماهوی و شکلی، حاکی از آن است که در جرائم مذکور سیاست‌گذار جنایی نگرانی چندانی در خصوص آزادی و حقوق شهروندان نداشته و عمده دغدغه اصلی آن‌ها امنیت است (رستمی، ۱۴۰۲، ص ۷۸).^۵

جرائم علیه امنیت دولت به لحاظ ماهیت و پیامدهایی که به دنبال دارند، به جرائم خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز قابل تقسیم هستند. جرائم غیرخشونت‌آمیز مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام یا تشکیل یا اداره دستجات غیرقانونی، اصولاً با ابزارها و روش‌های فاقد خشونت (فیزیکی) ارتکاب می‌یابند، درحالی‌که جرائم خشونت‌آمیز مانند اقدامات تروریستی، با اعمال خشونت فیزیکی یا با استفاده از سلاح رخ می‌دهند و پیامدهای متفاوتی را رقم می‌زنند.^۶ با توجه به تفاوت اساسی در ماهیت و پیامدها در گونه‌های مورد اشاره، از انتقادات قابل طرح نسبت به سیاست جنایی تقنینی و قضایی در خصوص این جرائم، بی‌توجهی به نهادهای ارفاقی و یک‌سویه‌نگری توأم با بی‌توجهی به آثار متفاوت آن‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار بدون تفکیک این قبیل جرائم و با اتخاذ سیاست امنیت‌مدار تمامی آن‌ها را جز در موارد استثنایی، مشمول مقررات سختگیرانه واحدی دانسته و ممنوعیت‌های گسترده‌ای را در خصوص مرتکبین اعمال نموده که چنین رویکردی در کنار همسویی رویه قضایی، موجب

۳. راهبرد سیاست جنایی تقنینی ایران، به‌ویژه از آغاز دهه ۱۳۹۰، در راستای تلطیف حقوق کیفری و انعطاف‌پذیری نسبی خشونت کیفری در پرتو رویدادهای سیاسی و حقوقی دو سده اخیر بوده است (نجفی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰).

۴. برخی نویسندگان افزایش بی‌رویه این نهادها را گاه در تعارض با یکدیگر دانسته و چنین اقدام تقنینی را موجب برهم زدن سیاست جنایی دانسته‌اند (رستمی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۶).

۵. در جدال بین آزادی و امنیت، سیاست‌گذاران جنایی ایران، ناتوان در ایجاد تعادل بوده، به‌طوری‌که کفه امنیت را سنگین‌تر نموده‌اند و این رویکرد در کنار محدودیت‌های متعدد ایجادشده در این قلمرو، به‌وضوح سیاست‌گذاری جنایی امنیت‌مدار را در این حوزه به تصویر می‌کشد (آقای‌نیا، رستمی، ۱۴۰۱، ص ۸۴).

۶. از منظر جرم‌شناختی، جرائم غیرخشونت‌محور به‌عنوان جرائم علیه امنیت فسفوری و جرائم خشونت‌محور به‌عنوان جرائم علیه امنیت کلسیمی شناخته می‌شوند (صادقی؛ فخر؛ رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۸۶).

محرومیت بسیاری از مرتکبین از این تدابیر گردیده است. این سیاست در نهادهای ارفاقی نوظهور به مراتب نامقبول‌تر بوده و در عمل، هیچ بهره‌ای از این نهادها نصیب مرتکبین نگردیده است، درحالی‌که در صورت اتخاذ یک سیاست جنایی تقنینی و قضایی کارآمد، بخش قابل توجهی از این جرائم، با توجه به ماهیت آن‌ها، می‌توانستند از نهادهای ارفاقی^۷ و زمینه‌های باز اجتماعی شدن مرتکبین بهره‌مند گردند، و اصلاحات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۹ و پذیرش ناقص برخی نهادهای ارفاقی نیز در عمل، تغییر قابل توجهی در این خصوص ایجاد ننموده و تأمل در برخی آرا و مصاحبه با قضات، حاکی از آن است که حتی در خصوص بعضی نهادهای ارفاقی قابل اعمال تحت شرایط خاص، رویه قضایی، سختگیرانه‌تر از قانون عمل نموده و به دلیل اختیار مقامات قضایی در اعطای آن‌ها بسیاری از مرتکبین از این نهادها محروم گردیده‌اند.

به لحاظ پیشنهادیه بحث، با وجود پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص نهادهای ارفاقی، که در این مطالعه در حد مقدور از آن‌ها بهره‌برداری شده است،^۸ اعمال نهادهای ارفاقی در جرائم غیرخشونت‌آمیز علیه امنیت دولت، به‌ویژه از منظر سیاست جنایی قضایی، نقطه کانونی و نوآوری مقاله حاضر است.

در این مقاله، وضعیت نهادهای ارفاقی در جرائم علیه امنیت دولت از منظر تقنینی و قضایی و با تأکید بر قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نقد و بررسی گردیده است. موضوع مهم بررسی نهادهای فوق از جهت تقنینی و قضایی بوده، به‌نحوی که از طریق مقارنه، میزان همگرایی یا واگرایی سیاست جنایی تقنینی و قضایی، با بررسی آرای محاکم، نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، دیدگاه‌های قضات و وکلای دادگستری از طریق

۷. مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام، تخلیه اطلاعاتی مأموران بر اثر بی احتیاطی، ورود به اماکن ممنوعه به قصد سرقت و ...

۸. به عنوان نمونه، رستمی (۱۴۰۲)، در مقاله «ارزیابی نهادهای ارفاقی در سیاست جنایی ایران» ضمن بیان علل گسترش تقنینی نهادهای ارفاقی، عوامل ناکارآمدی سیاست جنایی را در پرتو نهادهای فوق تشریح و راهکارهایی جهت برون‌رفت از چالش‌های مربوطه ارائه داده است. همچنین خالقی و محمودی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل سیاست کیفری تقنینی در خصوص نهادهای ارفاقی ناظر بر تعیین مجازات»، پس از بیان تعاریف و تاریخچه این نهادها، نهادهای متأثر از مجازات‌های قانونی و قضایی را بررسی نموده‌اند. همچنین، پورفهرمانی و نگهدار (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، با بررسی برخی آرای محاکم بدوی و تجدیدنظر استان کردستان، رویکرد قضات را به استفاده از نهادهای ارفاقی سنتی، بیشتر از موارد جدید آن دانسته‌اند. نیز بهره‌مند و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «واکاوی نهادهای ارفاقی در جرائم مواد مخدر»، ضمن بیان ضرورت وجود نهادهای ارفاقی، نسبت نهادهای ارفاقی قانون مجازات اسلامی را با قانون مبارزه با مواد مخدر تبیین نموده‌اند.

مصاحبه،^۹ علی‌رغم برخی محدودیت‌ها، بررسی و نقد گردیده است. نحوه اعمال نهادهای ارفاقی کلاسیک و نوظهور در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نیز مقایسه رویکرد سیاست جنایی تقنینی و قضایی، در دو گفتار جداگانه بررسی شده است.

۱. کاربست نهادهای ارفاقی کلاسیک

نهادهای ارفاقی کلاسیک در نظام تقنینی کشورهای مختلف دارای قدمت بیشتری بوده و در مقایسه با موارد نوین، در آرای قضایی نیز انعکاس بیشتری دارد. با بررسی مجموع نهادهای ارفاقی، تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، مجازات‌های جایگزین حبس، توبه و تعلیق تعقیب را می‌توان از مصادیق قدیمی این نهادها به شمار آورد که در این گفتار به اجمال نحوه اعمال آن‌ها در جرائم غیرخشونت‌آمیز علیه امنیت دولت مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. تخفیف (تقلیل) مجازات^{۱۰}

تخفیف مجازات از ابزارهای مؤثر سیاست جنایی در اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها، اثربخشی بیشتر و نیز دستیابی به اهداف اصلاحی کیفر به حساب می‌آید (فلاحی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹). نهاد تخفیف مجازات دارای فوایدی از جمله رعایت اوضاع و احوال مرتبط با جرم، منطبق نمودن مجازات با شخصیت بزه‌کار، تأثیر احتمالی بزه‌دیده در ارتکاب جرم و اجرای عدالت با عنایت به مطالبه افکار عمومی است. هرچند وفق مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران، نهاد یادشده صرفاً در مجازات‌های تعزیری قابل اعمال می‌باشد.

به دلیل اطلاق ماده ۳۷، این نهاد ارفاقی در تمام جرائم علیه امنیت دولت، به‌ویژه جرائم غیرخشونت‌محور قابل اعمال بوده، که چنین سیاستی قابل تقدیر می‌باشد. اما از منظر سیاست جنایی قضایی، علی‌رغم تجویز قانونی و ظرفیت‌های موجود، استقبال درخور توجهی از آن صورت نگرفته و این بی‌اعتنایی در دوران ناآرامی‌های سیاسی در حد اعلای خود قرار داشته

۹. به‌منظور اخذ نظرات قضات (اعم از دادیار و بازپرس شعب ویژه و شعب دادگاه انقلاب) و وکلای دادگستری، تلاش گردید که در حد اشباع نظری، مصاحبه انجام شود، هرچند با وجود صرف وقت زیاد و انجام هماهنگی‌های متعدد، تعداد مصاحبه‌شوندگان به دلایلی از جمله حساسیت جرائم موضوع پژوهش و در نتیجه، عدم تمایل اکثر قضات و وکلا به انجام مصاحبه، با وجود قول‌های مساعد اولیه، محدود بودن تعداد قضات رسیدگی‌کننده به این قبیل جرائم به دلیل اختصاص شعب ویژه و نیز وکلا به دلیل تسری محدودیت موضوع ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به مرحله رسیدگی در دادگاه توسط برخی از محاکم، به میزان مورد نظر محقق نرسید. در نهایت، مصاحبه با ۱۸ وکیل و ۱۳ قاضی میسر و انجام گردید. البته به دلیل شباهت پاسخ‌های ارائه‌شده، با همین تعداد نیز اشباع نظری نسبی حاصل گردید.

10. Mitigation of sentence

است. قابل ذکر آن‌که، در بسیاری از جرائم غیرخشونت‌محور متداول مانند تشکیل و اداره دستجات غیرقانونی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و همکاری با دول متخاصم، جز در موارد معدود، نه تنها تخفیفی اعطا نگردیده، بلکه در بسیاری از آرا حکم به حداکثر مجازات قانونی نیز صادر گردیده است.^{۱۱}

برخلاف جرائم خشونت‌محور که سختگیری در آن‌ها تا حدود بسیاری موجه می‌باشد، چنین توجیهی در جرائم غیرخشونت‌آمیز وجود نداشته و این نهاد ارفاقی، می‌توانست مورد استفاده بیشتری در این جرائم قرار گیرد.

با وجود قید حسن سابقه و وضع خاص متهم به عنوان یکی از جهات تخفیف در بند ث ماده فوق، برخی آرای محکومیت صادره بیانگر آن است که علی‌رغم برخورداری برخی محکومین از شرط مذکور، این امر مورد توجه واقع نگردیده است.^{۱۲} البته در دادنامه‌های معدودی که عمدتاً از مراجع تجدیدنظر صادر گردیده‌اند، تخفیف مجازات ملاحظه گردید که در مقایسه با مجموع دادنامه‌های در دسترس، قابل توجه نبوده است. در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۳۶۰۰۲۵۰ مورخه ۱۳۹۵/۶/۲۴ صادره از شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که به موجب دادنامه یادشده و با توجه به نامه قرارگاه ثارالله و ابراز تنبه شدید و تقاضای رأفت اسلامی، محکومیت بدوی کلیه متهمین از ۵ سال حبس بابت اجتماع و تبانی به ارتکاب جرم علیه امنیت، به یک سال و نیم حبس تقلیل یافت، که این تقلیل مجازات حاکی از سیاست تعدیل احکام سختگیرانه دادگاه بدوی توسط مرجع تجدیدنظر می‌باشد.

ب. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۳۳۱۴۴۰۰۰۷۲ مورخه ۱۳۹۴ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی مبنی بر تقلیل مجازات حبس متهمین از ۶ و ۴ ماه به یک ماه حبس با

۱۱. تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (الزام به صدور حکم به حداقل مجازات قانونی) را هرگز نمی‌توان نوعی کیفیت مخففه در نظر گرفت، چراکه منظور از تخفیف، صدور حکم به کمتر از حداقل قانونی است (الهام؛ پرهانی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۹). بنابراین، ضرورت صدور حکم به حداقل قانونی، حتی در فرض فقدان جهات تخفیف، حق قانونی متهم بوده و نباید آن را یک سیاست ارفاقی برای وی به حساب آورد.

۱۲. صدور حکم به حداکثر مجازات حبس در دادنامه شماره ۱۱۶۳ صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران با عنوان تبلیغ علیه نظام، در خصوص س. ح. م. همچنین صدور حکم به حداکثر مجازات حبس در خصوص ا. ک. به اتهام همکاری با دولت متخاصم، آمریکا، به موجب دادنامه شماره ۹۷۵/۴-۶۵۰ صادره از شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

توجه به وضعیت خاص متهمان و فقدان سوابق کیفری و سن و سال آنان، بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام.

ج. دادنامه شماره ۹۷..... مورخه ۱۳۹۷/۱/۲۹ صادره از شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران که به موجب آن، محکومیت بدوی از یک سال حبس به اتهام تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران (تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام) به ۴ ماه حبس تقلیل یافت، که این امر نیز بیانگر توجه بیشتر مرجع تجدیدنظر به نهاد ارفاقی یادشده در مقایسه با مرجع بدوی می‌باشد.

د. دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۴۱۲۴۱۰۰۱۸۶ مورخه ۱۳۹۰/۲/۱۰ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز، که دادگاه متهمین را به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت (شرکت در تظاهرات ۱۳ فروردین در مورد دریاچه ارومیه)، مستنداً به ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات و با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (ماده ۳۷) فعلی به شش ماه حبس تعزیری محکوم نمود. البته با توجه به رفتار ارتكابی و تردید در عنصر معنوی متهمین، نامبردگان قابلیت بهره‌مندی از حکم برائت را نیز داشتند.^{۱۳}

دادنامه‌های موجود حاکی از سختگیری بیشتر سیاست جنایی قضایی در مقایسه با نظام تقنینی بوده، به نحوی که علی‌رغم تجویز قانونی، جز در موارد معدود، تمایلی در استفاده از این نهاد توسط محاکم، حتی در جرائم غیرخشونت‌آمیز مشاهده نگردید. علاوه بر آن، تمایل به بهره‌مند نمودن مرتکبین از این نهاد ارفاقی نزد مراجع عالی به مراتب بیشتر از مراجع بدوی بوده است. در واقع، انتظار این بود که در جرائم غیرخشونت‌آمیز دارای مجازات خفیف و در خصوص مرتکبین بدون سابقه مؤثر کیفری، از این نهاد ارفاقی در حد قابل قبولی استفاده می‌گردید.

قابل تأمل آن‌که برخی جرائم پرتکرار علیه امنیت دولت مانند جرائم موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۰۰ قانون تعزیرات و به‌ویژه فعالیت تبلیغی علیه نظام، علی‌رغم عدم تصریح در قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵، به لحاظ این‌که مرتکب آن دارای انگیزه سیاسی و حداقل به زعم خود، داعیه اصلاح طلبانه دارد، می‌توان آن را به لحاظ ماهیت، یک جرم سیاسی و مرتکب آن را نیز

۱۳. مشابه همین اتهام در همان شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز مطرح و شعبه مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۴۱۲۴۱۰۰۱۹۲۱ مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۲۹ متهمین را مستنداً به ماده ۶۱۰ ق.ت.ب به دو سال حبس محکوم نمود که نهایتاً شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی با این استدلال که متهمین بزه انتسابی را انکار نموده و هدف خود را از برگزاری راهپیمایی مسالمت‌آمیز، بابت خشک شدن دریاچه ارومیه اعلام نموده بودند، به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۴۱۲۴۰۱۸۱۶ مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۰۲ حکم به برائت متهمین صادر نمود.

مجرم سیاسی دانست (حبیب‌زاده؛ موسوی مجاب، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹). بنابراین، شایسته بود مورد رأفت قانون‌گذار و دستگاه قضایی قرار گرفته و مشمول سیاست ارفاق‌مدارانه بیشتری واقع گردند، حال آن‌که عکس این رویکرد در سیاست تقنینی و قضایی ایران انعکاس یافته است.

۲-۱. تعلیق اجرای مجازات^{۱۴}

این نهاد ارفاقی به دلیل عدم ضرورت قطعی اجرای مجازات در برخی جرائم فاقد خطرناکی و شرایط نامطلوب محیط جرم‌زای زندان دارای فواید قابل توجهی برای مجرم و اجتماع بوده (صانعی، ۱۳۷۶، ص ۲۹) و مورد پذیرش قاطبه نظام‌های حقوقی واقع گردیده است.

این نهاد، اولین بار در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در کلیه جرائم جنحه‌ای مشمول حبس پیش‌بینی گردید. اما به موجب قانون تعلیق اجرای مجازات ۱۳۴۶ با محدودیت‌هایی مواجه شده و برخی جرائم، از جمله احکام حبس بیش از یک سال، از شمول آن مستثنی گردیدند. لذا با توجه به برخورداری بسیاری از جرائم مورد مطالعه از مجازات مذکور، مرتکبین امکان بهره‌مندی از این نهاد را نداشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هیچ منع قانونی در خصوص اعطای تعلیق نسبت به مرتکبین جرائم موضوع پژوهش وجود نداشت. البته در آرای صادره، علی‌رغم فقدان منع قانونی، استقبال چندانی از این نهاد، به‌ویژه در دوران ناآرامی‌های سیاسی صورت نمی‌گرفت. به عنوان مثال، در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ رویکرد قضات عموماً سختگیرانه بوده (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۸) و آرای صادره و نیز پاسخ‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان، اعم از قضات و وکلای دادگستری، حاکی از عدم تمایل قضات به اعطای تعلیق در این جرائم بوده است، اما پس از فروش کردن بحران‌های سیاسی،^{۱۵} در تعداد معدودی از آرا به شرح زیر اعمال گردیده است:

الف. دادنامه شماره ۱۰۲۷ مورخه ۱۳۷۷/۱۰/۹ صادره از شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران،

مبنی بر تعلیق مجازات حبس متهم به مدت ۲ سال از باب اقدام علیه امنیت از طریق هواداری گروهک توده‌ای.

14. probation

۱۵. باید خاطر نشان نمود که هنر حاکمیت در آن است که در دوران بحران‌های مختلف، به خصوص بحران سیاسی، خود را وفادار به دادرسی منصفانه نشان دهد، چراکه در زمان ثبات و آرامش، استقرار دادرسی منصفانه و پایبندی به آن هنر قابل ذکری به حساب نمی‌آید. در حقیقت، کارنامه حقوق بشری دولت‌ها در میزان پایبندی به قواعد دادرسی منصفانه در برخورد با مخالفان خود و در زمان ناآرامی‌های سیاسی ملاک سنجش می‌باشد (رستمی، ۱۴۰۲، ص ۹۵).

ب. دادنامه شماره ۲۲۴۷/ ۸۶/ ش ۱۵ مورخه ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ صادره از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران مبنی بر تعلیق مجازات متهم به مدت ۵ سال به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور.

ج. دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۴۱۲۴۱۰۰۹۲۹ مورخه ۱۳۹۰/۶/۱۹ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز مبنی بر تعلیق مجازات ۲ سال حبس تعزیری متهم به مدت ۴ سال بابت اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم علیه امنیت.

د. دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۴۱۲۴۱۰۱۹۲۱ مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۲۹ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز مبنی بر تعلیق نیمی از مجازات تعدادی از محکومین به مدت ۵ سال به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت.

هـ. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۳۵۳۱۹۰۰۰۲۸ مورخه ۱۳۹۱/۲/۴ صادره از شعبه دادگاه انقلاب شهرستان تفت مبنی بر تعلیق مجازات حبس ۹۱ روز متهم به مدت ۳ سال بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام. بررسی آرای صادره حاکی از آن است که تعلیق مجازات صرفاً در خصوص مرتکبین دارای عنوان اتهامی واحد اعمال گردیده است. به عبارت دیگر، به دلیل حکم سختگیرانه ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی سابق مبنی بر عدم امکان تعلیق در فرض تعدد جرم و با توجه به عناوین اتهامی متعدد احصائی برای این قبیل متهمین، امکان تعلیق به حداقل کاهش یافته و علاوه بر آن، اعمال آن منحصر در جرائم دارای مجازات خفیف و نسبتاً خفیف بوده است، لذا بسیاری از جرائم دیگر، علی‌رغم فقدان محدودیت در قانون سابق (ماده ۲۵) به موجب سختگیری بیشتر رویه قضایی از این نهاد ارفاقی محروم گردیده‌اند.

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و همسوبا سیاست جنایی امنیت‌مدار، به موجب ماده ۴۷ قانون مذکور، کلیه جرائم علیه امنیت جزو جرائم غیر قابل تعلیق اعلام گردید، که چنین سیاستی به دلیل تلقی یکسان و عاری از توجه به پیامدهای جرائم علیه امنیت و در نتیجه، محرومیت آنان از این نهاد ارفاقی، محل اشکال می‌باشد و به همین دلیل نیز هیچ رأیی مبتنی بر آن صادر نگردید.

البته به موجب اصلاحیه سال ۱۳۹۹ و الحاق تبصره‌ای به ماده فوق، تعلیق بخشی از مجازات در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان بلامانع اعلام گردید، که چنین شرطی نیز دارای ابهام مفهومی بوده و به دلیل امکان ارائه تفاسیر متعدد و اختلاف

نظر قضایی واجد ایراد می‌باشد. همچنین عبارت «تعلیق بخشی از مجازات» به لحاظ کمیت فاقد شفافیت بوده که به دلیل تفاسیر متفاوت موجب استعلام از اداره حقوقی قوه قضائیه گردیده است.^{۱۶}

پس از اصلاحیه مذکور و تجویز ناقص و مشروط این نهاد کیفری، انتظار معقول اعمال آن به نحو قابل توجه در جرائم غیرخوشونت‌آمیز دارای مجازات خفیف‌تر بود، اما علی‌رغم بررسی آرای متعدد، هیچ رأیی دال بر این امر یافت نگردید، که خود نشانگر سختگیری بیشتر رویه قضایی در این خصوص می‌باشد.^{۱۷}

۱-۳. آزادی مشروط^{۱۸}

آزادی مشروط از مهم‌ترین نهادهای متأثر از آموزه‌های جرم‌شناختی بوده و مرکز تلاقی سه رویکرد مهم جرم‌مداری مبتنی بر عدالت استحقاقی، مجرم‌محوری جرم‌شناسی اصلاح و درمان و بزه‌دیده‌مداری می‌باشد و بهره‌مندی از آن، انگیزه اصلاح و تربیت مجرمین را مضاعف نموده، موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی گردیده و از عیوب زندان جلوگیری می‌نماید (علی‌آبادی، ۱۳۷۳، ص ۳۵۷).

با توجه به اطلاق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی و امکان اعمال این نهاد در کلیه جرائم تعزیری، می‌توان قائل به شمول آن نسبت به جرائم مورد نظر شد،^{۱۹} اما موضوع قابل تأمل، سختگیری سیاست جنایی قضایی در این خصوص است، چراکه با وجود فقدان منع قانونی، هیچ موردی در خصوص اعطای آن، حداقل در جرائم غیرخوشونت‌آمیز یافت نگردید.^{۲۰}

۱-۴. مجازات‌های جایگزین حبس^{۲۱}

این نهاد ارفاقی در راستای تلطیف حقوق کیفری تنبیهی، توجه به اصلاح مجرمان، بازپذیری

۱۶. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه شماره ۷/۹۹/۹۰۲ مورخه ۱۳۹۹/۰۶/۳۱، میزان آن را به تشخیص و صلاح دادگاه واگذار نموده است، البته به شرط اینکه تعلیق شامل تمام مجازات نباشد.

۱۷. در این سختگیری قضایی، نمی‌توان نقش ساختار دادگاه انقلاب، چینش قضات آن و به‌ویژه ماهیت ایدئولوژیک این دادگاه‌ها را نادیده گرفت.

18. Parole (release on license)

۱۹. برای نظر مشابه (نک: مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۰).

۲۰. صورتجلسه نشست قضایی مورخه ۱۳۹۸/۱۱/۹ استان فارس/شیراز در صورت وجود شرایط، اعطای آزادی مشروط را در این قبیل جرائم ممکن دانسته است.

21. Alternatives to punishment

اجتماعی آنان و به دلیل ناکارآمدی مجازات حبس مورد استقبال قانون‌گذار واقع گردیده است.^{۲۲} جایگزین‌های حبس، مبتنی بر مداخله جامعه مدنی، نویدبخش پایداری سیاست جنایی مشارکتی (کیفری، ناکیفری) و الهام‌گرفته از آموزه‌های جدید مکتب دفاع اجتماعی نوین، کیفرشناسی و جرم‌شناسی می‌باشد (خاکساری؛ غلامی، ۱۳۹۸، ص ۱۲).

اگرچه قانون‌گذار به موجب قیودی طی مواد ۶۴ الی ۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و با الهام از آموزه‌های جرم‌شناسی به این نهاد ارفاقی جامعه قانونی پوشانده،^{۲۳} اعمال آن در جرائم علیه امنیت دولت، در راستای تداوم سیاست‌های سزاگرایانه امنیتی وفق ماده ۷۱ ممنوع گردید. اعمال این نهاد طبق ماده ۷۲ نیز با محدودیت مواجه است، چراکه وفق ماده مزبور، در فرض تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آن‌ها بیش از یک سال حبس باشد، این نهاد اعمال نخواهد گردید و با توجه به برخورداری بسیاری از دادنامه‌های مربوط به این جرائم از ویژگی موصوف، منع قانونی مذکور از این منظر نیز پابرجاست.

با وجود منع قانونی، سیاست جنایی قضایی در این خصوص حاوی شگفتی می‌باشد، چراکه در برخی آرای ناظر بر جرائم غیرخسوت‌محور دارای مجازات نسبتاً خفیف، این نهاد اعمال گردیده است، که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.^{۲۴} چنین رویکردی اگرچه از منظر آموزه‌های جرم‌شناسی و سیاست فردی کردن مجازات‌ها قابل تحسین به نظر می‌رسد، به لحاظ مغایرت با صراحت ماده یادشده فاقد توجیه قانونی است.^{۲۵}

الف. دادنامه شماره ۱۳۹۷/۴/۱۶۷۴۰۰۶۳۷ مورخه ۱۳۹۹/۵/۲۸ صادره از شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی مبنی بر تبدیل حبس ۳ ماه متهم به پرداخت ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی

۲۲. با وجود پیش‌بینی برخی مجازات‌های جایگزین جدید در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به دلیل سابقه تقنینی جزای نقدی، به عنوان رایج‌ترین جایگزین حبس در قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحیه سال ۱۳۸۹، این نهاد در بخش مربوط به نهادهای ارفاقی کلاسیک بررسی می‌گردد.

۲۳. به لحاظ پیشینه، باید به لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» سال ۱۳۸۴ اشاره نمود که به دلایلی تصویب نگردید.

۲۴. برخی قضات محاکم انقلاب با غیرقانونی دانستن این اقدام به موجب نص ماده ۷۱ اعتقاد داشتند که در مواردی، دادرسان دادگاه‌های انقلاب، به ویژه در شهرستان‌های غیر مرکز استان، رؤسا و یا دادرسان محاکم کیفری دو بوده و به دلیل عدم رسیدگی اختصاصی به جرائم امنیتی، نوعی خلط مبانی و تسری قواعد رسیدگی جرائم عمومی به جرائم علیه امنیت صورت گرفته که واجد اشکال می‌باشد.

۲۵. البته نشست قضایی مورخه ۱۳۹۶/۹/۲۱ استان فارس با توجه به اطلاق ماده ۷۱، اعمال جایگزین‌های حبس را حتی در جرائم غیرعمدی علیه امنیت نیز ممنوع اعلام نمود.

بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام. دادنامه مذکور از جهت تعدیل تصمیم سختگیرانه دادگاه بدوی قابل تقدیر بوده، اما از منظر نقض مفاد صریح ماده ۷۱ قابل انتقاد می‌باشد.

ب. دادنامه شماره ۱۴۰۴۸۳۹۰۰۰۰۶۵۲۰۳۵ مورخه ۱۴۰۰/۳/۴ صادره از شعبه دادگاه انقلاب سقز مبنی بر تبدیل حبس ۳ و ۶ ماه متهمین به پرداخت ۲۰ و ۴۰ میلیون ریال جزای نقدی به دلیل وضعیت سنی و عیال وار بودن متهمان، به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق تجمع غیرقانونی در روز کارگر.

ج. دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخه ۱۴۰۲/۷/۱۲ موضوع کیفرخواست شماره ۱۷۷۵۴۵ مورخه ۱۴۰۲/۶/۱۸ صادره از شعبه دادگاه انقلاب یکی از شهرستان‌های استان گیلان، به پرداخت ۷۰ میلیون ریال جزای نقدی بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام در فضای مجازی. قابل تأمل آن‌که در دادنامه مذکور، حتی به این نکته که تبدیل در راستای اعمال کیفیت مخففه صورت گرفته و نیز به جهت مخففه احراز اشاره‌ای نگردیده است.

حیرت‌آور آن‌که رویه قضایی در خصوص برخی نهادهای ارفاقی فاقد منع قانونی، با سختگیری ناموجه از اعمال آن‌ها خودداری نموده، اما این نهاد ارفاقی را با وجود منع صریح قانونی، پس از احراز برخی جهات تخفیف موضوع ماده ۳۷ و در راستای اصل فردی نمودن مجازات‌ها، در موارد متعددی اعمال نموده است، که این بیانگر فقدان انسجام و همگونی سیاست جنایی قضایی می‌باشد. در خصوص برخی متهمین، قابلیت صدور حکم برائت و یا دیگر نهادهای ارفاقی، به منظور اعمال سیاست ارفاق مدار و رعایت مقررات قانونی وجود داشت که مدنظر قرار نگرفته است.

۵-۱. توبه

برخلاف دیگر نهادهای ارفاقی، توبه نهادی واجد خاستگاه فقهی بوده که در راستای سیاست قضازدایی و حبس‌زدایی و نیز اصلاح و بازپروری مجرمین می‌تواند ابزار مؤثری قلمداد گردد. «توبه» در لغت به معنای پشیمانی و در اصطلاح، همان بازگشت از گناه می‌باشد، به نحوی که مرتکب پشیمان شده و مصمم به عدم ارتکاب گناه در آینده گردد (برای تفصیل درباره مفهوم توبه نک: پاکتچی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۸۱).

این نهاد در مقررات کیفری پیش از انقلاب فاقد پیشینه بوده و از ابداعات قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، اگرچه برخی با توجه به مبحث مستقل توبه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آن را از نوآوری‌های این قانون می‌دانند (اردبیلی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۳). به دلیل سابقه آن در قانون مجازات

اسلامی سال ۱۳۷۰ و قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ مناسب است آن را به عنوان یک نهاد ارفاقی کلاسیک به حساب آوریم.

علی‌رغم همسویی توبه با آموزه‌های علوم جنایی و با توجه به این‌که ژرف‌نگری هرچه بیشتر در آن می‌تواند موجب کارایی مفیدتر آن گردیده و استفاده شایسته از آن در خصوص مرتکبین نادم و فاقد سودای مجرمانه سودمند باشد (برهانی؛ لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۳)، این نهاد در جرائم موضوع مطالعه به‌طور شایسته مورد اقبال واقع نگردیده است، چراکه مطابق با تبصره ماده ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، صرفاً دو جرم همکاری با دول متخاصم و تحریک مردم به جنگ و کشتار، مشمول معافیت از مجازات می‌باشند. بنابراین رویکردی که به موجب آن، جرائم مذکور، با وجود برخورداری از مجازات حبس سنگین می‌توانند از این نهاد ارفاقی بهره‌مند گردند، اما در جرم خفیفی مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام امکان اعمال چنین نهادی وجود ندارد، قابل انتقاد می‌باشد. همچنین وفق مقررات عام ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی، با احراز توبه، مجازات جرائم تعزیری درجات ۶ الی ۸ ساقط، اما در سایر درجات متهم صرفاً از تخفیف قضایی بهره‌مند خواهد گردید. بنابراین، از مجموع جرائم مورد مطالعه، توبه مستقط مجازات، منحصرأ شامل جرائم معدودی مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام و اخفای جاسوسان بوده و در سایر موارد، مرتکبین باید منتظر تخفیف قضایی که چندان هم مورد عنایت قرار نمی‌گیرد، باشند.

به‌طور کلی، رویکرد رویه قضایی نسبت به توبه کاملاً سلیقه‌ای، توأم با آرای متناقض و بدون مبنای مشخص و واحدی می‌باشد، چنان‌که در برخی از آرا بدون هرگونه استدلال خاصی، درخواست توبه متهم رد گردیده، حال آن‌که در برخی دیگر از آرا چنین ادعایی محمول به صحت تشخیص داده شده و لذا حکم به احراز توبه صادر گردیده است (عبداللهی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲-۳۴۷). از طرف دیگر، تأمل در سیاست جنایی قضایی در جرائم مورد مطالعه حاکی از سختگیری بیشتر رویه قضایی می‌باشد، به‌طوری‌که علی‌رغم بررسی آرای متعدد، هیچ رأیی مبتنی بر معافیت و یا تخفیف مجازات بر اساس توبه یافت نگردید. همچنین برخی مقامات قضایی نیز اظهار داشتند که تاکنون قرار موقوفی تعقیب یا حکمی مبتنی بر تخفیف صادر ننموده و به چنین آرای نیز برخورد ننموده‌اند.^{۲۶}

۲۶. به نظر برخی، اعمال این نهاد مستلزم طرح آن از جانب خود متهمین بوده و عدم اقدام از سوی آنان را در استفاده نکردن از این نهاد مؤثر می‌دانستند.

۶-۱. تعلیق تعقیب

این نهاد ارفاقی به عنوان تنها نهاد شکلی کلاسیک که در قوانین پیشین نیز دارای سابقه بوده، با الحاق ماده ۴۰ مکرر به قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۵۲ وارد حقوق ایران شد و سپس به موجب ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری ۱۳۵۶ اصلاح گردید و نهایتاً در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و در خصوص جرائم تعزیری درجات ۶ تا ۸ مورد پذیرش قرار گرفت.

این نهاد از جمله راهبردهای همسو با رهنمودهای الغاگرایی کیفری به حساب می‌آید که با وجود پیش‌بینی و تثبیت آن در حقوق کیفری ایران، به دلیل فقدان زمینه‌های فرهنگی - قضایی لازم و چالش‌های مربوط به این نهاد مورد استقبال و همگرایی شایسته رویه قضایی قرار نگرفته است (ساقیان؛ نورپور، ۱۳۹۷، ص ۷۵).

از منظر تقنینی، به دلیل شروط مندرج در ماده فوق، به‌ویژه ضرورت قابلیت تعلیق مجازات جرائم مورد نظر، باید قائل به عدم امکان استفاده از آن در جرائم موضوع بحث گردید.^{۲۷} همسو با این دیدگاه، اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه شماره ۲۵۷/۱۴۰۰/۷ مورخه ۱۴۰۰/۵/۱۰ تعلیق تعقیب متهمان مذکور را ممنوع دانسته است و فقدان سابقه این نهاد در آرای قضایی نیز مؤید همین ممنوعیت می‌باشد.

۲. کاربست نهادهای ارفاقی نوظهور

نهادهای ارفاقی نوظهور، از ابداعات تقنینی عدالت کیفری در سال‌های اخیر بوده که در قوانین کیفری اخیرالتصویب ایران نیز پیش‌بینی شده است. این نهادها را می‌توان از نوآوری‌های قوانین کیفری جدید دانست که با بهره‌مندی از یافته‌های جرم‌شناسی و نقش‌آفرینی در بازدارندگی عام و خاص،^{۲۸} اصلاح بزهکار، انجام سازوکارهای عدالت ترمیمی و امتناع از برچسب‌زنی مؤثر بوده و موجب انعطاف بخشی به قوانین خشک و بی‌روح می‌گردد. قانون‌گذار ایران نیز هرچند با تأخیری نسبتاً طولانی در مقایسه با سایر کشورها، با پذیرش این قبیل نهادها در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تلاش قابل تقدیر و کم‌سابقه‌ای در راستای اصلاح و

۲۷. امکان تعلیق بخشی از مجازات جرائم علیه امنیت به موجب تبصره ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، به‌منزله قابل تعلیق بودن این جرائم نمی‌باشد.

۲۸. به آثار مجازات قانونی بر عموم مردم (بزهکاران بالقوه) بازدارندگی عام (General Deterrence) و به چنین آثاری نسبت به شخص محکوم بازدارندگی خاص (Specific Deterrence) اطلاق می‌گردد (Mc Stafford; M warr, 1993, p. 123).

بازسازی محکومین در کنار اعمال کیفر و با بهره‌گیری از یافته‌های جرم‌شناسی و دستاوردهای نوین فایده‌گرایی مجازات به عمل آورده است، اما در جرائم مورد مطالعه و به دلیل قیود مورد استفاده، کاربست این قبیل نهادها در پایین‌ترین حد ممکن قرار دارد. با اندک تأملی می‌توان نظام نیمه‌آزادی، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و مراقبت تحت سامانه‌های الکترونیکی (در قانون مجازات اسلامی) و ترک تعقیب، بایگانی کردن پرونده و توقف تحقیقات (در قانون آیین دادرسی کیفری) را از نمونه‌های نهادهای مذکور به حساب آورد.

۱-۲. مصادیق نهادهای ارفاقی نوظهور در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با معرفی نهادهای متعدد ارفاقی نوظهور، توفیق قابل توجهی در الگوپذیری از آموزه‌های علوم جنایی در جرائم غیرامنیتی به دست آورده است، اما در جرائم علیه امنیت، به دلیل حاکمیت سیاست جنایی دشمن‌مدار، برخی از این نهادها از منظر تقنینی کاملاً غیر قابل اعمال بوده و برخی دیگر نیز صرفاً در جرائم معدود با مجازات خفیف می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، و البته که رویه قضایی، حداقل با توجه به اطلاعات به دست آمده از آرای بررسی شده و نیز مصاحبه‌های به عمل آمده، از این تجویز کمینه قانونی نیز هیچ گونه استقبالی ننموده است.

۱-۱-۲. نظام نیمه‌آزادی^{۲۹}

این نهاد ارفاقی،^{۳۰} به عنوان یکی از جلوه‌های اصل شخصی کردن کیفر، با الهام از حقوق کیفری فرانسه و به دلیل تأکید بر کاربرد حداقلی حبس^{۳۱} در فقه اسلامی و انطباق آن با آموزه‌های شرعی و همچنین در راستای ایجاد فرصت‌های فعالیت خارج از زندان محکومین، در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی گردید^{۳۲} (اکرمی؛ سیف‌الله‌پور، ۱۳۹۶، ص ۳). این نهاد اصلاح‌مدار و ارفاقی، به عنوان یکی از جلوه‌های نوظهور و بارز کیفرزدایی یا زندان‌زدایی (البته نه به طور کامل)،

29. Semi – liberty

۳۰. ظهور و پیدایش نظام نیمه‌آزادی را باید مدیون اجرای نظام تربیتی ویژه‌ای دانست که در گفتمان کیفرشناسان به عنوان نظام تدریجی یا ایرلندی معروف می‌باشد (رضوانی؛ خواجوند چتن؛ صفائی آتشگاه، ۱۳۹۵، ص ۸۴).

۳۱. پیامدهای نامطلوب و مضرات زندان نزد برخی از نویسندگان تا بدان حد است که حتی زندان کوتاه‌مدت را هم خالی از جنبه‌های آسیب‌زای آن ندانسته‌اند (Sevrdiren, 2011, p. 116).

۳۲. به دلیل شرط رضایت محکوم جهت برخورداری از این نهاد ارفاقی، گرایش سیاست جنایی ایران را در این خصوص می‌توان همسو با عدالت ترمیمی و مذاکره‌ای دانست (غلامی، ۱۳۸۹، ص ۷۱۴-۷۴۰).

در کنار تأثیر غیر قابل انکار در کاهش جمعیت کیفری، در اصلاح و بازپروری مجرمین و نیز حفظ ثبات خانوادگی آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید.

پیش از اصلاحیه سال ۱۳۹۹، این نهاد صرفاً در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ قابلیت اعمال داشت، اما به موجب اصلاحیه اخیر، حبس‌های تعزیری درجه ۲، ۳ و ۴ نیز در صورت سپری کردن یک چهارم حبس می‌توانند وفق تبصره ماده فوق مشمول این نظام ارفاقی گردند. در مقررات موجود، نص صریحی دال بر منع قانونی در خصوص اعمال این نهاد نوپا در جرائم امنیتی غیرخشونت‌آمیز دیده نمی‌شود، هرچند علاوه بر نبود نظر ارشادی اداره حقوقی قوه قضائیه، نویسندگان حقوق کیفری نیز متعرض این موضوع در این جرائم نشده‌اند. اما تأمل در ماده فوق، به ویژه شرط گذشت شاکی که بیانگر قابلیت اعمال این نهاد صرفاً در جرائم غیر قابل گذشت دارای شاکی خصوصی می‌باشد، این فرض را کمرنگ می‌نماید، چراکه در جرائم مورد پژوهش، دولت (حاکمیت) زیان‌دیده اصلی جرم بوده و نمی‌توان از شاکی خصوصی و یا گذشت وی در مفهوم دقیق آن سخن گفت. لذا به نظر می‌رسد امکان کاربست این نهاد ارفاقی در این جرائم وجود ندارد، اگرچه مناسب بود قانون‌گذار با لحاظ قیود مناسب دیگر مانند وجود جهات تخفیف و یا فقدان سابقه کیفری مؤثر مرتکب، امکان اعمال این نهاد کارآمد را حداقل در بخشی از جرائم غیرخشونت‌آمیز دارای مجازات خفیف فراهم می‌نمود.

از منظر سیاست جنایی قضایی نیز هیچ رأیی مبنی بر اعمال این نهاد، حتی در جرائم خفیف، یافت نگردید، و این امر در کنار بی‌اطلاعی صاحب‌هوشندگان از وجود هر گونه رأیی، حاکی از عدم تجویز قانونی آن می‌باشد. البته با وجود شرط تقنینی مذکور انتظاری جز این نیز نبود.

۲-۱-۲. تعویق صدور حکم^{۳۳}

این نهاد ارفاقی نوپدید که به نظر برخی خاستگاه اولیه آن کاملاً بوده، با اقتباس از قانون مجازات فرانسه وارد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شده است (فروغی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۵۵). از منظر جرم‌شناسی، این نهاد که در نظام‌های کیفری سایر کشورها نیز نوپا بوده و مشابهت‌هایی نیز با تعلیق مجازات دارد، مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی برچسب‌زنی بوده و می‌توان

آن را راهی برای پیشگیری از آثار زیان بار و نامطلوب برجسب مجرمیت به افراد دانست (مصدق، ۱۳۹۶، ص ۲۳۵).

به لحاظ تقنینی و به دلیل اختصاص تعویق صدور حکم به جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ و نیز با توجه به خروج تعزیرات منصوص شرعی از قلمرو آن به موجب ماده ۱۱۵، دایره شمول گسترده‌ای نمی‌توان برای آن در نظر گرفت. چنین رویکردی اگرچه به لحاظ مبانی شرعی در حدود، قصاص و دیات قابل توجیه بوده، محدود نمودن آن به جرائم تعزیری خفیف، به دلیل مغایرت آن با فلسفه و مبنای چنین نهادی، قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

قابل ذکر آن‌که علی‌رغم عدم استثنای جرائم علیه امنیت دولت از شمول این نهاد، با توجه به محدودیت مندرج در ماده ۱۱۵، از مجموع جرائم مورد پژوهش منحصرراً دو جرم تبلیغ علیه نظام و اخفای جاسوسان که از جرائم دارای مجازات خفیف به حساب می‌آیند، می‌توانند از چنین نهادی منتفع گردند.

از منظر رویه قضایی نیز به دلیل نوپدید بودن این نهاد از یک سو و نگرش به جایگاه و اعتبار صدور حکم به منظور احراز مجرمیت از سوی دیگر (عالی‌پور؛ توحیدی نافع، ۱۳۹۴، ص ۳۱۲)، در جرائم عمومی نیز از این نهاد کمتر بهره گرفته می‌شود و همین رویکرد به نحو مضاعفی در جرائم مورد مطالعه نیز ملاحظه می‌گردد، به طوری که با وجود تجویز این نهاد در دو جرم یادشده، هیچ رأیی مبتنی بر این نهاد کیفری یافت نگردیده و نظرات برخی قضات و وکلای دادگستری نیز مؤید چنین سیاستی بوده است، هرچند با عنایت به پرتکرار بودن جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام و خفیف بودن مجازات آن، رویه قضایی می‌توانست با عدول از سیاست سختگیرانه خود و اعمال این نهاد، حداقل در خصوص مرتکبین فاقد سابقه کیفری مؤثر، گام مهمی در راستای گسترش سیاست اصلاحی بردارد، که چنین رویکردی به دلیل مغایرت با سیاست کیفری حاکم، عملی نگردیده است.

۲-۱-۳. معافیت از کیفر

علاوه بر مفهوم عام این نهاد ارفاقی که شامل عفو، توبه و سایر موجبات معافیت از مجازات می‌باشد، در مفهوم خاص و به عنوان یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، این نهاد صرفاً ناظر به جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ بوده که در صورت وجود برخی شرایط ماده ۳۹، قاضی مخیر در صدور حکم معافیت از مجازات و بازگرداندن مجرم به جامعه خواهد بود.

نهاد ارفاقی مذکور که صرف‌نظر از برخی معایب آن مانند ناتوانی در پیشگیری از جرم و عقیم ماندن برنامه‌های اصلاح و درمان، دارای فواید انکارناپذیری از قبیل بازدارندگی عام و خاص و به‌ویژه انطباق آن با اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد (جمادی؛ المیر؛ شادمان‌فر، ۱۳۹۸، ص ۹۴-۹۹)، صرفاً در جرائم بسیار خفیف و به موجب شروط سختگیرانه متعددی قابل اعمال بوده و از منظر یک سیاست جنایی کارآمد قابل انتقاد می‌باشد، به‌ویژه در فرض فاقد اهمیت بودن جرائم فوق، شایسته بود مقنن با حذف آن‌ها باری از دوش دادگستری بر دارد. با بررسی کلیه جرائم غیرخوشونت‌آمیز علیه امنیت می‌توان دریافت که صرفاً یک جرم (تخلیه اطلاعاتی مأموران) در محدوده این نهاد ارفاقی قرار دارد. بنابراین، سختگیری تقنینی در این خصوص مشهود بوده و سایر جرائم قابلیت بهره‌مندی از این نهاد را ندارند. آنچه در این خصوص مایه شگفتی بوده ذکر قیود و شروط متعدد برای نهادی است که صرفاً در مورد جرائم بسیار خفیف قابلیت اعمال دارد. در واقع، به نظر، این حجم از قیود با قلمرو شمول چنین نهادی متناسب نمی‌باشد. از منظر سیاست جنایی قضایی نیز از آن جاکه جرم مذکور به عنوان جرمی مرسوم و متواتر در رویه قضایی شناخته نشده است، با وجود بررسی دادنامه‌های بسیار، هیچ رأیی مبنی بر اعمال این نهاد ارفاق‌مدار مشاهده نگردید.

۲-۴. مراقبت توسط سامانه‌های الکترونیکی^{۳۴}

این نهاد ارفاقی جایگزین حبس که پیشینه آن به سال ۱۹۸۴ در آمریکا برمی‌گردد، به عنوان پاسخی پسینی به بزهکاری، از جهات مختلفی از قبیل کاستن از جمعیت زندانیان، زدودن پیامدهای نامطلوب مجازات حبس و نیز محقق ساختن اهداف اصلاح و بازپروری مجرمان حائز اهمیت می‌باشد. این نهاد که آوردن آن ذیل مقررات آزادی مشروط به دلیل فقدان ارتباط موضوعی بین این دو، دارای ایراد می‌باشد، در ابتدا صرفاً شامل جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸ بود که پس از اصلاحیه ۱۳۹۹ و وفق تبصره ۲ ماده ۶۲، در صورت تحمل یک چهارم مجازات، حبس‌های تعزیری درجه ۲، ۳ و ۴ را نیز در بر می‌گیرد.

نکته تقنینی مهم دیگر امکان بهره‌مندی کلیه جرائم تعزیری و از جمله جرائم مورد مطالعه، نهایتاً با گذراندن بخشی از مجازات حبس، از مزایای نظام یادشده است.^{۳۵} بنابراین، از منظر

34. Electronic surveillance system

۳۵. برای دیدن نظر موافق، (نک: فروغی؛ ایرانی، ۱۳۹۵، ص ۶۲۰).

تقنینی، هیچ گونه ممنوعیت قانونی در خصوص بهره‌مندی جرائم مورد مطالعه از این نهاد ارفاق‌مدار وجود نداشته و حتی در بخشنامه شماره ۲۲۶۲/۱۰ مورخه ۱۴۰۲/۳/۸ دادگستری استان تهران منعی در این خصوص پیش‌بینی نگردیده و برخی نشست‌های قضایی^{۳۶} نیز اعمال آن را در جرائم علیه امنیت دولت به عنوان یک نهاد ارفاقی ممکن دانسته‌اند، اما در عمل و با وجود جست‌وجو، تحقیق و انجام مصاحبه، هیچ دادنامه‌ای که حاکی از اعمال آن در این قبیل جرائم باشد، یافت نگردید. در واقع، علی‌رغم تصریح به شرایط مقرر در تعویق مراقبتی در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی جهت استفاده از این نهاد ارفاقی و استثنا نمودن جرائم علیه امنیت، رویه قضایی در عمل، ممنوعیت‌های موجود در ماده ۴۷ را مانعی در اعمال این نهاد می‌داند که رویکرد رویه قضایی فاقد توجیه قانونی است.

۲-۲. مصادیق نهادهای ارفاقی نوظهور در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

نظام عدالت کیفری در دهه‌های اخیر از منظر مقررات شکلی نیز از یافته‌های علوم جنایی و جرم‌شناسی پیرامون سیاست جنایی ارفاق‌مدار منتفع گردیده است. در این رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ جلوه بارز این نوع گفتمان تلقی می‌گردد که با تأسی از سازوکارهایی مانند قضازدایی، عدالت ترمیمی و با تأسیس برخی نهادهای ارفاقی نوین سعی در همسویی قابل قبولی با تحولات اخیر در مجموعه نظام عدالت کیفری داشته است.

گرایگاه نهادهای ارفاقی این قانون عمدتاً کاهش موارد تعقیب بوده و پاسخ سریع به برخی گونه‌های بزهکاری، اجتناب از الصاق برچسب مجرمانه به افراد و کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری از دیگر دلایل به شمار می‌آید (تقی‌پور؛ سلیمی، ۱۳۹۷، ص ۶۳).

چنین نهادهای ارفاقی عموماً در جرائم سبک قابل اعمال بوده و در راستای «اصل موقعیت داشتن تعقیب» از جایگزین‌های تعقیب محسوب شده که در صورت فزونی عواقب سوء فرایند کیفری بر منافع آن از تعقیب متهم جلوگیری می‌نماید (خالقی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰).

علی‌رغم موفقیت تقنینی نسبی در پیش‌بینی این نهادها در جرائم غیرامنیتی، گفتمان جدیدی که بتوان آن را ملهم از آموزه‌های نوین علوم جرم‌شناختی دانست، در جرائم موضوع مطالعه ارائه نگردیده است. به سخن دیگر، قانون‌گذار بدون مستثنا نمودن جرائم یادشده از شمول نهادهای مذکور، شرایطی را مقرر نموده است که به موجب آن‌ها بهره‌مندی از این

۳۶. نشست قضایی مورخه ۱۴۰۲/۰۸/۲۰ استان گیلان.

نهادهای تقریباً غیرممکن گردیده است. به عنوان نمونه، قرار ترک تعقیب موضوع ماده ۷۹ که اساساً به منظور کاستن از تعداد پرونده‌های محاکم پیش‌بینی گردیده است، صرفاً در جرائم قابل گذشت قابل اعمال می‌باشد. بنابراین، به دلیل ماهیت این جرائم، نهاد ارفاقی مزبور در این جرائم اعمال نخواهد گردید. همچنین قرار بایگانی کردن پرونده موضوع ماده ۸۰، به تصریح صدر ماده فوق منحصراً در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ قابل استفاده بوده و از مجموع جرائم غیرخشونت‌محور، فقط جرم تخلیه اطلاعاتی مأموران می‌تواند از این نهاد بهره‌مند گردد که آن‌هم به دلیل غیرمرسوم بودن، فاقد هر گونه سابقه در رویه قضایی بوده و تحقیقات و مصاحبه‌های انجام شده براین‌دی نداشت.

دیگر نهاد ارفاقی نوظهور دارای دامنه شمول وسیع، قرار توقف تحقیقات موضوع ماده ۱۰۴ می‌باشد که با توجه به اطلاق ماده فوق، کلیه جرائم تعزیری درجه ۴ تا ۸ را در بر می‌گیرد، به نحوی که در صورت معلوم نشدن مرتکب ظرف مدت دو سال، علی‌رغم انجام تحقیقات لازم، این قرار توسط بازپرس پس از جلب موافقت دادستان صادر می‌گردد. به نظر می‌رسد این نهاد، به دلیل اطلاق آن و فقدان هر نوع قیدی، تنها نهاد ارفاقی قابل اعمال در کلیه جرائم مورد مطالعه باشد، هرچند که در عمل، رویه قضایی کوچک‌ترین اقبالی نسبت به آن نشان نداده و بررسی‌های صورت گرفته منتج به مشاهده دادنامه‌ای در این خصوص نگردید.

نتیجه آن‌که سیاست جنایی سرکوبگرانه حاکم بر جرائم علیه امنیت دولت علاوه بر قوانین ماهوی، به قوانین کیفری شکلی نیز تسری یافته، به نحوی که از منظر سیاست جنایی تقنینی بهره حداقلی از نهادهای ارفاقی نوظهور موضوع این قانون برای جرائم موضوع پژوهش پیش‌بینی شده است و البته که رویه قضایی، در قلمرو اطلاعات به دست آمده، با اعمال سیاست سختگیرانه‌تر کوچک‌ترین استقبالی از این نهادها به عمل نیاورده است.

در واقع، به دلیل آن‌که این نهادها محصول آخرین دستاوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی‌اند، انتظار منطقی آن بود که از هر دو منظر یادشده مورد استقبال بیشتری واقع گردند، حال آن‌که عکس آن را به‌ویژه از جهت سیاست جنایی قضایی شاهد بوده‌ایم. در حقیقت، بررسی دادنامه‌های متعدد شعب دادگاه انقلاب حاکی از آن است که در جرائم موضوع پژوهش، نهادهای ارفاقی نوظهور به دلایل متعددی از جمله کافی نبودن برنامه‌های آموزشی قضات و حاکمیت سیاست امنیت‌مدار، تاکنون با فرهنگ قضایی ایران سازگار نگشته و به نوعی ناکارا

قلمداد می‌شوند و متولیان امر، علی‌رغم سپری شدن بیش از یک دهه از ورود این نهادها به نظام عدالت کیفری، هنوز نتوانسته‌اند ضمن برشمردن ویژگی‌های مثبت این دسته از نهادهای ارفاقی، ضرورت و اهمیت استفاده از آن‌ها را برای قضات تبیین و توجیه نمایند و می‌توان اذعان داشت که در جرائم مورد مطالعه، اعتقاد رویه قضایی صرفاً به چند نهاد ارفاقی سنتی محدود گردیده است (پورقهرمانی؛ نگهدار، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷) و در عمل، علی‌رغم جست‌وجوی بسیار و با وجود تجویز قانونی در مواردی معدود، هیچ رأیی که حاکی از اعمال نهادهای ارفاقی نوظهور در این جرائم باشد، یافت نگردید^{۳۷} و به درستی باید این دور شدن رویه قضایی از قوانین و مقررات مربوط به سیاست جنایی را به عنوان یکی از نمادهای ناهمسازی میان سیاست‌های جنایی قلمداد نمود (لازرز، ۱۴۰۱، ص ۶۹ و ۷۰).

نتیجه‌گیری

نهادهای ارفاقی از دستاوردهای اثرگذار علوم جرم‌شناختی و بنیان‌های عدالت کیفری نوین در قوانین کیفری است. قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز با پذیرش یا تأسیس نهادهای متعدد و به‌منظور دستیابی به اهداف اصلاح، بازسازی و کاستن از جمعیت کیفری، همگرایی قابل قبولی با تحولات اخیر در جرائم عمومی (غیرامنیتی) نشان داده که این همسویی در رویه قضایی نیز به‌طور قابل توجهی انعکاس یافته است، هرچند رویه قضایی به نهادهای ارفاقی کلاسیک در مقایسه با مصادیق نوظهور التفات بیشتری دارد. به عبارت دیگر، قضات در عمل، به دلایل عدیده‌ای از جمله فقدان زمینه‌های لازم فرهنگی و قضایی، نهادهای ارفاقی را عموماً منحصر در همان نمونه‌های قدیمی آن مانند تعلیق، تخفیف و آزادی مشروط می‌دانند.

سیاست کاربست نهادهای ارفاقی در جرائم غیرامنیتی، به دلیل امنیت‌گرایی و گفتمان سیاست جنایی دشمن‌محور، در کلیه جرائم علیه امنیت دولت، حتی در جرائم غیرخشونت‌محور، به‌نحو بارزی وارونه گردیده است، به‌نحوی که در قوانین ماهوی و شکلی در کنار نادیده‌انگاری برخی تضمین‌های حقوق کیفری کلاسیک، از این قبیل نهادها نیز استقبال قابل قبولی نشده

۳۷. اعتقاد به عدم استفاده از نهادهای ارفاقی نوظهور در جرائم موضوع پژوهش که از بررسی آرای متعدد صادره از شعب دادگاه انقلاب و نیز مصاحبه با تعداد قابل توجهی از قضات و وکلای دادگستری به دست آمده است، ممکن است تا حدودی از باب مسامحه باشد، چراکه ممکن است در مورد متهم خاصی، یکی از این نهادها مورد استفاده قرار گرفته باشد که دادنامه مربوطه در دسترس نبوده و مصاحبه‌شوندگان نیز از وجود آن بی‌اطلاع بوده باشند. اما به نظر می‌رسد با توجه به مفاد آرای بررسی‌شده و نظرات مصاحبه‌شوندگان و با صرف‌نظر از برخی موارد استثنایی احتمالی، رویه قضایی حاکم را مبتنی بر عدم استفاده از این دسته از نهادها دانست.

است. حتی در فرض پذیرش چنین سیاستی در جرائم خوشونت‌آمیز، این رویکرد در جرائم غیرخوشونت‌آمیز، موضوع پژوهش حاضر، پذیرفتنی نیست. در واقع، چنین گفتمانی ناشی از رویکرد یک‌سویه‌نگر و انتقادآمیز قانون‌گذار و رویه قضایی به کلیه جرائم علیه امنیت دولت است که بدون توجه به پیامدهای جرائم مذکور، تمامی آن‌ها را به موجب سیاست واحد و در سطح وسیعی، از نهادهای ارفاقی محروم کرده است.

نهادهای ارفاقی با توجه به پیشینه آن‌ها به نهادهای ارفاقی کلاسیک و نوظهور تقسیم می‌گردند و آنچه در این پژوهش قابل تأمل بوده، استقبال جزئی از نهادهای ارفاقی نوظهور در جرائم مورد مطالعه می‌باشد. در واقع، هرچند در این جرائم از نهادهای ارفاقی کلاسیک نیز به دلیل سیطره گفتمان امنیت‌گرایی استفاده شایسته‌ای نشده، این رویکرد در نهادهای نوظهور به مراتب سختگیرانه‌تر می‌باشد، به طوری که با اندکی مسامحه می‌توان قائل به عدم اعمال این قبیل نهادها در جرائم یادشده گردید، درحالی‌که با توجه به روزآمدی نهادهای مذکور، خلاف گفتمان حاکم مورد انتظار بود.

موضوع قابل تأمل دیگر، رویکرد سختگیرانه‌تر رویه قضایی نسبت به سیاست جنایی تقنینی در این جرائم است. به عبارت دیگر، علی‌رغم تجویز یا فقدان منع قانونی در اعمال این نهادها، رویه قضایی در موارد متعددی با بی‌اعتنایی به این نهادها گوی سبقت را در اعمال سیاست‌های تشدید از سیاست جنایی تقنینی ربوده است و این دیدگاه به خصوص در جرائم غیرخوشونت‌آمیز که قابلیت اجرای سیاست جنایی ارفاق‌مدار را دارد، محل انتقاد جدی است. نکته مهم دیگر، سیاست سختگیرانه و انعطاف‌پذیری بسیار کمتر محاکم تالی نسبت به محاکم عالی، در قبال جرائم مورد مطالعه می‌باشد.

پایان سخن آن‌که، با توجه به ماهیت و پیامدهای قابل تحمل جرائم موضوع پژوهش، سزاوار بود که سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی و به تبع آن رویه قضایی، رویکرد مناسبی در استفاده از این نهادها در پیش گیرد، که این امر از منظر تقنینی با اقبال کمتری مواجه گردیده، و قابل درنگ آن‌که، رویه قضایی با وجود برخی جوازهای قانونی، به جز مواردی معدود، تمایلی به اعمال این نهادها، خصوصاً نهادهای نوظهور، از خود نشان نداده است. به نظر می‌رسد با ارائه آموزش‌های تکمیلی و ضمن خدمت قضات شاغل در دادسراها و محاکمی که عهده‌دار رسیدگی جرائم موضوع پژوهش‌اند و تبیین فواید این قبیل نهادها برای آن‌ها، می‌توان امیدوار

بود که رویه قضایی با تعدیل سیاست امنیت‌گرایی در جرائم غیرخشونت محور علیه امنیت دولت، انس بیشتری با نهادهای ارفاقی و به‌ویژه با مصادیق نوظهور آن پیدا نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. آقابابایی، حسین. (۱۳۸۹ ش). قلمرو امنیت در حقوق کیفری. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. آقایی‌نیا، حسین؛ رستمی، هادی. (۱۴۰۱ ش). جرائم علیه مصالح عمومی کشور. تهران: میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۱ ش). حقوق جزای عمومی، (ج ۳)، تهران: میزان.
۴. برهانی، محسن؛ لطفعلی‌زاده، الهه. (۱۴۰۱ ش). قلمرو زمانی توبه در تعزیرات، با تأکید بر رأی وحدت رویه شماره ۸۱۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور. مجله حقوقی دادگستری، ۸۶ (۱۱۸)، ۱-۱۹. <https://doi.org/10.22106/533785.4273> باز
۵. بولک، بنار. (۱۴۰۱ ش). کیفرشناسی، (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: مجد.
۶. بهره‌مند، حمید؛ احمدزاده، رسول؛ رستمی، سینا. (۱۳۹۶ ش). واکاوی نهادهای ارفاقی در جرائم مواد مخدر. مجله کارآگاه، ۹۳ (۳۹)، ۳۹-۵۵.
۷. پاکتچی، احمد. (۱۳۸۷ ش). توبه، در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. پورقهرمانی، بابک؛ نگهدار، ایرج. (۱۳۹۷ ش). ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی: محاکم کیفری استان کردستان). مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۸ (۲)، ۲۲۷-۲۵۵. <https://doi.org/10.22059/jqclcs.2019.70809>
۹. تقی‌پور، علیرضا؛ سلیمی، واحد. (۱۳۹۷ ش). تأثیر اندیشه‌های جرم‌شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱ (۱)، ۶۱-۸۸. <https://doi.org/10.22124/6978.1293>
۱۰. جعفری دولت‌آبادی، عباس. (۱۳۹۷ ش). جایگاه امنیت در سیاست کیفری ایران. تهران: فکرسازان.
۱۱. جمادی، زهرا؛ مالمر، محمود؛ شادمان‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۹ ش). معافیت از کیفر در فقه اسلامی؛ میان‌کنشی اخلاقی، تربیتی و حقوقی. پژوهش‌های اخلاقی، ۳ (۱۰)، ۴۵-۵۸.
۱۲. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ موسوی مجاب، سید درید. (۱۳۸۵ ش). تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران. حقوق اسلامی، ۳ (۹)، ۱۲۳-۱۴۰.
۱۳. خاکساری، داود؛ غلامی، حسین. (۱۳۹۸ ش). عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس. پژوهش حقوق کیفری، ۷ (۲۶)، ۹-۴۰. <https://doi.org/10.22054/jclr.2018.27124.1528>
۱۴. خالقی، علی. (۱۴۰۲ ش). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: میزان.
۱۵. خالقی، ابوالفتح؛ محمودی، علی. (۱۴۰۱ ش). تحلیل سیاست کیفری تقنینی در خصوص نهادهای ارفاقی ناظر بر تعیین مجازات. فقه، حقوق و علوم جزا، ۷ (۲۴)، ۵۵-۷۵.
۱۶. رستمی، هادی. (۱۴۰۲ ش). ارزیابی نهادهای ارفاقی در سیاست جنایی ایران (با تأکید بر گسترش افراطی و ناکارآمدی). آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰ (۲۵)، ۱۵۳-۱۷۸. <https://doi.org/10.30513/cld.2023.1735>
۱۷. رستمی، هادی. (۱۴۰۲ ش). فروپاشی آیین دادرسی کیفری در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی. پژوهش حقوق کیفری، ۱۱ (۴۳)، ۱۰-۶۷. <https://doi.org/10.22054/jclr.2023.73744.2585>

۱۸. رضوانی، محمد؛ خواجه‌وند چتن، مظاهر؛ صفائی آتشگاه، حامد. (۱۳۹۵ش). بررسی نظام نیمه‌آزادی با تأکید بر سیاست کیفری ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰، (۹۶)، ۷۹-۱۰۳. <https://doi.org/10.22106/ljz.2016.24719>
۱۹. ساقیان، محمدمهدی؛ نورپور، محسن. (۱۳۹۹ش). ارزیابی و نقد نهاد تعلیق تعقیب در حقوق کیفری ایران (با نگاهی به حقوق فرانسه). حقوق تطبیقی، ۷۵، (۱۱)، ۷۵-۱۰۰. <https://doi.org/10.22096/law.2019.83889.1240>
۲۰. سامانه ملی آرای قضایی. <https://ara.jri.ac.ir>
۲۱. صادقی، سالار؛ فخر، حسین؛ رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۸ش). جایگاه عدالت ترمیمی در جرائم علیه حاکمیت. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۰، (۲)، ۸۵-۱۱۲. <https://doi.org/10.22124/jol.2019.10682.1541>
۲۲. صانعی، پرویز. (۱۳۷۶ش). حقوق جزای عمومی، (ج ۲). تهران: گنج دانش.
۲۳. عبداللهی، افشین. (۱۳۹۸ش). کیفیت احراز توبه، با مطالعه موردی آرای دادگاهها. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۸، (۱۶)، ۳۵-۳۲۳. <https://doi.org/10.30513/cld.2020.610>
۲۴. عالی‌پور، حسن؛ توحیدی نافع، جلال. (۱۳۹۴ش). تعویق صدور حکم: تأخیر در اجرای عدالت یا تغییر در اجرای عدالت؟ مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲، (۴ و ۵)، ۳۱۱-۳۳۱. <https://doi.org/JQ-CLCS-201604-1107>
۲۵. علی‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۷۳ش). حقوق جنایی، (ج ۲). تهران: انتشارات فردوسی.
۲۶. غلامی، حسین. (۱۳۸۴ش). سیاست کیفری سختگیرانه. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۷، (۴)، ۹۵-۱۲۱.
۲۷. غلامی، حسین. (۱۳۸۹ش). عدالت ترمیمی، در: علوم جنایی، (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). تهران: سمت.
۲۸. فروغی، فضل‌الله؛ ایرانی، امیر. (۱۳۹۵ش). مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و آمریکا. مطالعات حقوق تطبیقی، ۷، (۲)، ۶۰۱-۶۲۶. <https://doi.org/10.22059/jcl.2016.60695>
۲۹. فروغی، فضل‌الله؛ مقدسی، محمدباقر؛ غنی، کیوان. (۱۳۹۶ش). بررسی تطبیقی تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران، انگلستان و فرانسه. مطالعات حقوق تطبیقی، ۸، (۲)، ۶۵۵-۶۷۸. <https://doi.org/10.22059/jcl.2017.227216.633449>
۳۰. فلاحي، ابوالقاسم. (۱۳۹۷ش). تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. مجله حقوقی دادگستری، ۸۲، (۱۰۲)، ۱۲۷-۱۰۹. <https://doi.org/10.22106/lj.2018.32735>
۳۱. اکرمی، روح‌الله؛ سیف‌الله‌پور، فرزانه. (۱۳۹۶ش). تحلیلی بر نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه، با رویکردی به منابع فقهی آن. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۴، (۳)، ۳۸-۳. <https://doi.org/10.22091/csiw.2018.3221.1387>
۳۲. گودرزی، محمدرضا. (۱۳۸۲ش). نارسایی‌های زندان. الهیات و حقوق، ۳، (۴ و ۱)، ۴۳-۱.

۳۳. لازرژ، کریستین. (۱۴۰۱ش). درآمدی بر سیاست جنایی، (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: میزان.
۳۴. مجیدی، سید محمود. (۱۳۹۳ش). جرائم علیه امنیت. تهران: میزان.
۳۵. مصدق، محمد. (۱۳۹۶ش). شرح قانون مجازات اسلامی، (ج ۱). تهران: جنگل.
۳۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲ش). تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی). دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲). تهیه و تنظیم: سکینه خانعلی‌پور واجارگاه و مهدی قربانی.
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۷ش). تلطیف و ترمیمی شدن حقوق کیفری، با تأکید بر حقوق ایران، در: فرجیها، محمد، (زیر نظر)، عدالت ترمیمی؛ پل ارتباطی میان تمدن‌های جاده ابریشم، (چکیده مقالات). تهران: میزان. دسترس‌پذیر در: <http://lawtest.ir>
38. Martinson, R. (1974). What works? questions and answers about prison reform. *the public interest*, 35: 22-54
39. Mc Stafford; M warr. (1993). Reconceptualization of general and specific deterrence. *Journal of research in crime and delinquency*, 30(2), 3-39. <https://doi.org/10.1177/0022427893030002001>
40. Sveldiren, O. (2011). *Alternatives to imprisonment in England and Wales, Germany and Turkey*. New York: Springer.